

# انقلاب و ضد انقلاب در کشور ما

صفحه ۷

## خانه ما را به خودمان بر گردانید

از اشغال غیرقانونی و تاسف انگیز دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفترنامه مردم در تهران و دیگر اماکن مشوب به حزب توده ایران در شهرستانها چندین هفته میگذرد. این کارخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی و خلاف نظم انقلابی را عده ای ناآگاه و غیر مسئول - که در بین آنها عناصر مشکوک و ضدانقلابی هم بوده اند - مرتکب شده اند. ولی پس از آنکه عالی ترین مقامات پارلمانی، دولتی و قضائی کشور، لزوم تأمین فعالیت آزاد احزاب و گروههای سیاسی را در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بکرات و مراتب تأکید کردند، انتظار ما این بوده و هست که ارکانهای مسئول مملکتی این بی عدالتی فاجع را از حزب توده ایران رفع کنند و اماکن اشغال شده حزب را بما برگردانند. ما بنام منافع انقلاب، بر مبنای حقایقی که با دفاع جانانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کسب کرده ایم، با اتکال به قانون اساسی، که خونهای دهها هزار شهید گلگون کفن راه استقلال و آزادی است، از زمامداران و مسئولان دولتی و قضائی جمهوری اسلامی ایران انتظار عاجل داریم که با اقدام مسئولانه، آگاهانه و خیراندیشانه خود، خانه ما را به خودمان بازگردانند. در شرایطی که امپریالیسم جهانیوار آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن در کمین آزادی و استقلال مینماشتند و ما پیش از هر چیز به اتحاد نیروهای صدیق انقلابی نیازمندیم، سدهای مصنوعی و غیرعادلانه را از سر راه قدیمی ترین حزب انقلابی کشورمان، حزب توده ایران بردارید. این خواست انقلاب، قانون و عدالت است. این راه اتحاد و قدرت و پیروزی نهایی خلق است.

## دشمنان انقلاب ایران، راجع به حزب توده ایران چه میگویند؟

**بختیار:** دبعد از اینکه به قدرت برسیم، اولین خصم من حزب کمونیست توده است. (دخباخیر ایران، شماره ۲، ۲۹ خرداد ۵۹)

**بختیار:** «اگر به قدرت برسیم، تمام احزاب را آزاد خواهیم گذاشت مگر حزب توده، که آنرا نابود خواهیم کرد» (از مصاحبه با صدای آمریکا، اوایل مرداد ۵۹)

**نزیه:** «اولین هدف انقلابیون باید نابودی آخوندهای طرفدار خمینی و رهبران سرسپرده حزب توده باشد» (دخباخیر ایران، شماره ۲۳، ۱۵ مرداد ۵۹، صفحه ۵)

**امیر انتظام:** (پهنکام تصدی پست سخنگوی دولت موقت): «حزب توده بموجب قوانین فعلی غیرقانونی است، و تا این قوانین لغو نشده اند، بقوت خود باقیند».

**رادویو بغداد:** «ما از روی اجساد توده ای های کثیف گذر خواهیم کرد و رژیم خمینی را سرنگون خواهیم ساخت» (مضمون مکرر تفسیرهای رادویو بغداد)

آیا این گفته ها هشدار نیست برای برخی دوستان ناآگاه انقلاب، که برخورد خصمانه با حزب توده ایران دارند؟

## نخست وزیر، هیئت دولت را به مجلس معرفی کرد

در جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی ایران، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، نامه آقای محمدعلی رجائی نخست وزیر را مبنی بر معرفی هیئت دولت، قرائت کرد. متن نامه و اسامی اعضای هیئت دولت بشرح زیر است:

به تاریخ ۹/۹/۵۹ ریاست محترم مجلس شورای اسلامی بدنبال مذاکراتی که با ریاست جمهوری بعمل آمد، قسراً شد هیئت دولت به مجلس معرفی شود. براین اساس صورت اسامی

همکاران خود را به پیوست به آگاهی می رساند. اینجانب آمادگی دارم تا برای اعلام برنامه و کسب نظر نمایندگان محترم، در اولین فرصت در مجلس شورای اسلامی حاضر شوم.

محمدعلی رجائی  
نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران  
اسامی وزرا:

۱- اقتصاد و دارائی، برنامه و بودجه، امور اداری و استخدامی: محمد نوری بخش  
۲- مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه: سید اسماعیل داودی  
۳- بهداشتی: دکتر منافی

۴- مشاور سرپرست بهزیستی: محمدعلی فیاض بخش  
۵- پست و تلگراف: محمود قندی  
۶- راه و ترابری: موسی کلانتری  
۷- امور خارجه: حسین موسوی  
۸- علوم و فرهنگ و هنر: دکتر حسن عارفی  
۹- بازرگانی: رضا صدر و یا سیداسدالله لاجوردی  
۱۰- صنایع: مهندس نعمت زاده  
۱۱- آموزش و پرورش: محمدعلی رجائی  
۱۲- کشاورزی: محمد سلامتی  
۱۳- کار: احمد توکلی  
۱۴- وزیر مشاور در امور اجرایی: بهزاد نبوی  
۱۵- سرپرست مسکن و شهرسازی وزیر مشاور: محمد شهاب گنابادی  
۱۶- نیرو: حسین عباس پور  
۱۷- ارشاد ملی- عباس دوزدوزانی  
۱۸- کشور: محمدرضامهدوی کنی  
۱۹- دفاع: (هنوز تعیین نشده است)



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۲  
دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

## بفرمان رهبر، به پیمان حزب (سرود آمدگی)

نهاد میدهد انقلابیت که باز چراغ نگهدار و آماده باش به فرمان رهبر، به پیمان حزب به پیوند با خلق آزاده باش

سپاه ددان از کران تا کران زهرسو گرفته ترا در میان بر این حلقه ننگ و نامرده می نگیی ز خون شجاعت نشان

برآور ز داد و ز دانش علم فراهم کن از خلقها توده ای که همراه و همگام و همدستان بسازیم فردای آسوده ای

به پیوند این دست و یازوی کار بشوریم برفوج سرمایه دار نمائیم و بیکار پایان دهیم دگرگونه سازیمشان روزگار

ممانیم تک قطره های جدا در این شط تاریخ، یکجا شویم برآیم از موجها، موجها گران سنگ و جاوید دریا شویم

**سپاوش کسوانی**  
شهریور ۱۳۵۹

## لئونید برژنف: فقط ملت ایران میتواند معین کند که از کدام راه پیش خواهد رفت

لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، بمناسبت شصتین سالگرد تاسیس جمهوری شوروی کازاخستان بیانات مهمی ایراد کرد، که نکات برجسته آن در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، بمناسبت شصتین سالگرد تاسیس جمهوری شوروی کازاخستان بیانات مهمی ایراد کرد، که نکات برجسته آن در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

## سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به سازمان جوانان توده ایران پیوست

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، طی نامه ای به کمیته مرکزی حزب توده ایران، خواستار پیوستن به سازمان جوانان توده ایران شد. کمیته مرکزی حزب توده ایران، در پاسخ این نامه، خواست سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران را پذیرفت. در زیر متن نامه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات به کمیته مرکزی حزب توده ایران، و پاسخ کمیته مرکزی حزب توده ایران به این نامه، به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

## نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران

رفقای عزیز!  
نامه گرم و پرشور شما را دریافت داشتیم و از خواست شما مبنی بر مبارزه در سنگر سازمان جوانان توده ایران، زیر رهبری مستقیم حزب توده ایران، مطلع شدیم.

سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران از آغاز مبارزه خود را با حرکت خروشان طبقه کارگر در سرنگونی رژیم دست نشاندۀ پهلوی و علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، هماهنگ ساخت ویرجیم بیکاری را، که با شهادت وارطان ها، شوشتری ها، و ناغادانیان ها، این

## نامه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی!  
سمیمانه ترین درودهای ما جوانانی که درسیاه ترین سالهای سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری راه دشوار مبارزه بخاطر آرمان های والای زحمتکشان و راهبر افتخار طبقه کارگر ایران و حزب آن، حزب توده ایران را بر گزیده ایم، بپذیرید.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، که بر اثر نیازها و ضروریات مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری مردم و جوانان ایران، در فروردین ۱۳۵۴، به وجود آمد، در طی بیش از سه سال موجودیت خود، همواره در سنگر پویندگان بیکار و خستکی ناپذیر راه استقلال و آزادی ایران بوده است و در این دوران دشوار، در جریان نبرد مرگ و زندگی، آزمون خود را داده و کارنامه آن - چه قبل و چه بعد از انقلاب - گواه این برخورد متعهدانه و پیر ایتار است.

سازمان ما در این مدت کوتاه توانست احترام و توجه جوانان مترقی و انقلابی ایران و جهان را به خود جلب کند، و شایستگی

برخورد مسئولانه سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران با مسائل انقلاب ایران، علیه رژیم مزدور و دست نشاندۀ پهلوی، علیه ستم امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و بخاطر پیروزی توده های زحمتکش و محروم، چنان توان و اعتباری بدان بخشید که امروز بحق جای شایسته خود را در صفوف جنبش انقلابی مردم ایران و در جنبش جهانی جوانان و دانشجویان احراز کرده و یکی از اعضای برجسته فدراسیون جهانی جوانان دموکرات و اتحادیه بین المللی دانشجویان است.

بنچمال مبارزه دشوار و مستمر سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات در راه آرمانهای خلق، با استفاده از اشکال پیدا و نهان مبارزه، و علیرغم فشار امپریالیسم بقیه در صفحه ۸

خود را بمنابیه یکی از کردان های پیشرو جوانان انقلابی ایران بشبوت برساند و به چنان اعتبار عظیم بین المللی نائل آید که، به عضویت در سازمان های معتبر بین المللی جوانان و دانشجویان فدراسیون جهانی جوانان دمکرات و اتحادیه بین المللی دانشجویان - پذیرفته شود.

رفقای ارجمند!  
در طول این سالها که مردم و جوانان ما درگیر دشوارترین نبردهای سرنگونی ساز خویش بودند، سازمان ما همواره کوشید تا به سنن انقلابی جوانان ایران و بقیه در صفحه ۸

## تازه ترین شاهکار آقای دکتر یزدی در کیهان!

روزنامه کیهان، ارگان لیبرالهای ایران، دروغهای شاخدار و مضحک امپریالیستهای انگلیسی را بخورد مردم ایران میدهد

صفحه ۸

## برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# انقلاب و ضد انقلاب در کشورها

مردم ایران حق دارند به آینده نبرد خود با دشمنان ضدانقلابی با امید و اطمینان بنگرند.  
رویارویی انقلاب و ضدانقلاب در کشور ما بطرف اوج وحدت می رود

ضدانقلاب، یعنی فئودالها و سرمایه داران بزرگ وابسته و کارمندان عالی رتبه لشگری و کشوری رژیم سابق و ساواکیها و متحدها و نوپرواز آنها از میان قشرهای بالایی و متوسط جامعه دوران پهلوی و گروهی از روشنفکران لیبرال، که بویژه پس از وضع شدن سمت گیری ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب به سختی از آن دور شده اند و پیروزی ضدانقلاب را آرزو می کنند. برخی از آنها به سرعت در لجنزار خیانت می غلطند و در مواضع اصیل ضدانقلابی قرار می گیرند.

امپریالیستها و بر راس آنها امپریالیسم آمریکا و یک سلسله کشورهای ارتجاعی و نیز پکن حبی سرسخت ضدانقلابند. طبیعی است که این سه نیرو می توانند قشرها و عناصر نادان و یا بی صفت و خردخواه را از دیگر لایه های اجتماعی بدنبال خود بکشند.

این نیروی ضدانقلابی دارای یک هسته متشکل و فعال است، که مستقیم تحت رهبری کارمندان کارشناس «سیا» در تهران و خارج مشغول فعالیت است و یک حاشیه بزرگ کمتر فعال یا در حال انتظار، که در موقع خود به نیروی خطرناکی مینالند.

هسته مرکزی خارج بطور آشکار از شاهپور بنخبر، اویسی و بالیزبان تشکیل میشود، که با اشرف و دیگر اعضاء خاندان پهلوی در تماسند و مراکز آنها در واشنگتن، نیویورک، لوس آنجلس، باریس، لندن، کپن، قهره، بغداد و کراچی گرم کارند و پولهای غارتی پشتوانه آنهاست. اجیر کردن با پول اسلوب اساسی است.

ضدانقلاب با چهره سازی مصنوعی تا حدود معینی در نهادهای انقلابی و سازمانهای اسلامی و دستگاه دولتی رخنه کرده است. اگر درست است که افرادی مانند ابوالفضل قاسمی، احمد مدنی و خسرو قشقانی میتوانند حتی یوگالت برسند، پس از رخنه این افراد و نظیرشان در دستگاههای مختلف نیز نباید غافل بود.

سیطره بیش از صد ساله امپریالیستها در ایران به عبث نبود. چاکران و سرسیردگان و وابستگان به آنها در هر سوراخ و سوراخی

وجود دارند و بهمه اشکال درمی آیند: «بشکل به اشکال» مختلفه حتی الکل و نافذ زیر.

در مقابل ضدانقلاب، انقلاب نیز دارای صفوف مهیسی است. درست است که قشرها، مسامحهها و ندادنهای کارمندی دولت موقت، مشکلات طبیعی پس از انقلاب، دشواریهای ناشی از محاصره اقتصادی و خرابکاری و تحریمات دشمن، تا حدودی از شور عمومی کاسته است، ولی در عوض انقلاب بصورت دوتی متشکل شده و نهادهای انقلابی و دولتی جدید بوجود آورده است، مانند کمیته ها، سپاه پاسداران، شوراهای و انجمن ها، جهاد سازندگی، ارتش بسیج عمومی، نیروهای مسلح سابق (که در آنها بخش های وفادار به انقلاب وجود دارند)، سازمانها و گروههای خلقی و سیاسی انقلابی و وفادار به انقلاب و غیره و غیره. آری انقلاب همچنان مورد پشتیبانی اکثریت قاطع مردم مینماید.

چنانکه از اظهار نظر مقامات رسمی در روزهای اخیر برمی آید، ضد انقلاب نقشه های چندسویه و دارای احتمالات و حالات مختلف، طراحی کرده است و قصد دارد در هفته ها و ماههای آینده آنرا پیاده کند. آری، آمریکا دست بردار نیست. فقط زمانی که پوزة متعفن امپریالیسم دلار بار دیگر بچاک مانیده شود، این جانوران شاید درک کنند که باید سر جای خود بنشینند. ولی آیا درک خواهند کرد؟ آنهم محض تردید است.

بنظر ما رژیم جمهوری اسلامی، باتکاء اظهارات مقامات رسمی آن، متوجه خطر هست. درست است که نباید با ابراز اضطراب در باره خطر ضد انقلاب، معیض هراس و آشفتگی ایجاد کرد، ولی مسلم است که باید گوش بزنگی و هوشیاری عمومی را با دادن آذینهای روشن کننده و بموقع حفظ کرد. کشور ما میتواند و باید ضدانقلاب را تا آخر سرکوب کند. او از امکانات جهانی و داخلی برای اجراء این وظیفه برخوردار است، فقط باید بدانند که چگونه امکاناتی است و چطور باید از آن بهره جست.

مهمترین خطر، چنانکه در گذشته نیز گفتیم، تحریمات و اقدامات «درون دژی» ضد انقلاب است.

ضدانقلاب عریان را می شناسیم، ولی ضدانقلاب مستور و بزرگ کرده را گزینش و شناسایی و به آن فرصت میدان داری میدهم. همیشه بزرگترین صدمات از داخل به انقلابها وارد شده است. در مورد انقلاب مشروطه، انقلاب گیلان و خراسان و آذربایجان (فهمت جنگل)، قیام کلنل، خیزش شیخ محمد خیابانی، در مورد جنبش ملی کردن نفت... همه جا دشمن از داخل عمل کرده است و سپس وقتی بساط درون دژ بهم خورد، هجوم از بیرون دژ شروع میشود.

حفظ وحدت در زیر رهبری امام خمینی، رهبر قاطع و آشتی نپذیر انقلاب، شرط مقدم استقامتی در برابر ضد انقلاب است. پیوسته نیست که ضدانقلاب، یکی از اولیه ترین هدفهای خود را نابود کردن امام میسرند.

بهمین جهت حزب ما در اختلافاتی که در درون رژیم انقلابی پدید شده، هرگز به «بازی با اختلافها» دست نزده است و عینا مانند خود امام خواستار وحدت عمل همه نیروها شده است.

بهمین جهت حزب ما در تحریمات دشمن و ضدقانونی که علیه او میشود، متانت و خوشمردی خود را نگاه داشته و بخود اجازه نداده است (و نخواهد داد) که این تحریمات حتی یک لحظه اصولیت او را مختل سازد.

بنظر ما این روش حزب، که ناشی از وفاداری عمیق او به انقلاب است، میتواند سرمشق قرار گیرد.

ضد انقلاب در چنای نقشه های شیطانی خود، هجوم نظامی، جنگ داخلی، تجزیه طلبی، تقسیم ایران، ترور، شورشهای محلی، کودتای، بمباران و هر چیز دیگر را گذاشته است. ممکن است مردم ایران بیکبار دیگر در معرض آزمونی سخت قرار گیرند، ولی مردمی که از عهده یک انقلاب بزرگ برآمده اند، بیشک از عهده عواقب ناشی از آن نیز برمی آید، زیرا انقلاب تنها براندازی رژیم ظالم و فاسد شاه سابق نبود، بلکه نجات انقلاب و تحکیم نظام نوین عادل و سالم انقلابی نیز جزء انقلاب است.

مردم ایران عزم دارند انقلاب را به سرانجام برسانند، باید انقلاب را به سرانجام رسانند.

شرایط ایران و جهان نوید میدهد که انقلاب ایران بتواند راه دشوار خود را زخم زده طلی کند. مردم ایران حق دارند به آینده خود با اطمینان بنگرند.

عملیات مرمت و بازسازی جاده ها و پاسگاههای مرزی و اعتبار متناسب با آن را بررسی کند و نتیجه را به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد.

پس از رای گیری و پیش از آنکه شورای نگهبان نظر خود را درباره این ماده و مطابقت آن با قانون اساسی بیان کند، دکتر زرگر، سومین نایق جلسه دیروز، درباره وضع نایمان پزشکی و درمانی کشور سخن گفت و سپس به طرح مجتمع های پزشکی که میتوانند با تربیت کادر لازم خدمات گسترده ای بپردازند، اشاره کرد و خواستار مطالعه نمایندگان و ارائه نظریات اصلاحی آنان شد.

آخرین نایق قبل از دستور دیروز مجلس، هاشم حمیدی، نماینده همدان، توجه دولت جدید را به تأمین رفاه مردم مستضعف جلب کرد و گفت:

«همانطور که امام گفته اند، این مجلس باید امید مستضعفان باشد.»

وی سپس خطاب به مسئولین امور گفت: «مردم می پرسند که در زمینه کار و بیکاری و مسکن تا بیجا چه اعمالی انجام داده اند.»

«شم حمیدی در پایان سخنان خود، درباره کمیته «مفتی»هایی که ملک حسن تشکیل داده و سخنانی که این «مفتی»ها گفته اند، گفت:

«ملک حسن ها باید این حرفها را بزنند، چرا که آنها برادران شاه و نوکران آمریکا هستند...»

پس از سخنان این نمایندگان، گزارش کمیسیون خارجه در مورد اعزام هیئت های جهت رسیدگی به وضع سفارتخانه ها و نمایندگان گیهای ایران در خارج از کشور توسط حجت الاسلام خانی، مخبر کمیسیون، قرائت شد. در این گزارش از جمله آمده است:

«ه هیئت به پنج منطقه ای که در آن سفارتخانه های ایران وجود دارند، فرستاده میشوند. هر هیئت متشکل از ۳ نفر بوده که یک نفر نماینده مجلس و ۲ نفر دیگر از افراد خارج از مجلس انتخاب میشوند. در این گزارش کمیسیون نام ۵ تن از نمایندگان بعنوان نمایندگان مجلس در این هیئت آمده است. در این گزارش وظایف هیئتها چنین ذکر شده بود:

۱- بررسی عملکرد سفارتخانه ها و نمایندگان گیهای ایران در خارج از کشور،

۲- بررسی وضع و سوابق کله اعضای آنها،

۳- بررسی اموال دولت جمهوری اسلامی ایران در سفارتخانه ها و نمایندگان گیها...»

بحث و بررسی پیرامون این گزارش به جلسه بعد مجلس موکول شد.

در پایان جلسه دیروز مجلس، نظریه شورای نگهبان درباره تأیید ماده واحده مصوبه نمایندگان قرائت شد.

در پایان اعلام شد که ساعت ۱۱ امروز صبح، جلسه علنی مجلس برای بررسی جواریه نامه نمایندگان کنگره آمریکا، که توسط کمیسیون امور خارجه مجلس تهیه شده است، تشکیل خواهد شد.

## در جلسه علنی دیروز مجلس:

### آمریکامز دورانش تمام نیروهای خود را علیه ما در مرزها متمرکز کرده اند ضدانقلاب در منطقه متشکل می شود، هشیار باشیم!

هیئت دولت جدید به نمایندگان معرفی شد  
هادی غفاری: مجلس باید با بررسی وضع گروههای سیاسی، ببیند کدامیک حرف قانونی دارند.

اعتبار لازم تصویب شده و تنها لازم است مسئولین به کار مشغول شوند...»

سپس حجت الاسلام محلاتی، نماینده امام درسپاه پاسداران، ضمن اشاره به تلفاتی که ناشی از خرابی جاده ها و انهدام پاسگاههای مرزی در برخورد با عوامل بعثی عراق و ضدانقلاب به پاسداران انقلاب وارد شده است، خواهان تصویب هرچه سریعتر این ماده واحده شد و گفت:

«من اینجا در همین مجلس تمام کسانی را که در رابطه با شهادت پاسداران مقرر بوده اند با اسم و رسم معرفی خواهم کرد (گروهی از نمایندگان بسا فرستادن تکبیر خواستار افشای این افراد شدند)... ما اکنون در شرایطی هستیم که آمریکا و «دورانش تمام نیروهای خود را در مرزها متمرکز کرده اند، که هر لحظه انقلاب ما را در خطر قرار داده اند... ولسی آمریکا و عواملش بدانند که تا یک قطره خون در بدن پاسداران ما هست، پیاده هم شده میروند و این مزدوران را سرکوب می کنند...»

پس از سخنان چندتنی از نمایندگان، ماده واحده با اکثریت آراء تصویب شد. طبق این ماده وزارت راه موظف است ظرف ۱۵ روز طرحهای لازم برای اجرای

## در حاشیه مجلس

دکتر سبحانی هنوز معترض است! «یادمان هست که در زمان دولت موقت، هنگامی که طرح دولتی شدن مدارس خصوصی مطرح شد، دکتر سبحانی از جمله کسانی بود که این طرح را «غیراسلامی» و حتی «کمونستی» خواندند. چندی بعد به این کنار رفتن دولت موقت و پافشاری مردم و نیروهای انقلابی، بالاخره این طرح به تصویب رسید. و اکنون بار دیگر در مجلس شورای اسلامی شاهد اعتراض شدید دکتر سبحانی به این طرح و احضار مسئول وزارت آموزش و پرورش جهت توضیح در این باره شده ایم.

اعدام کم کاران!

«محمدصادق حائری، نماینده شیراز، ضمن اشاره به محاکمه شدید کم کاران، از جمله گفت: «باید اینها را با یک محاکمه قاطع، حتی اعدام کرد». در اینجا چند تن از نمایندگان به وی اعتراض کردند و گفتند:

«حرف شما شرعی نیست.» و وی با عصبانیت گفت:

«تضعیف حکومت اسلامی، خیانت به اسلام و مایوس کردن مردم از انقلاب، شرعی است.»

## برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

# اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و فعالیت وزارت بازرگانی

اهرم بازرگانی خارجی ایران در دست بازرگانان وابسته به بازار امپریالیستی، در دست سرمایه داران حریص و آژند، بدل به یکی از حربهای جدی علیه انقلاب ایران شده است. از راه بازرگانی - خارجی اختلال جدی در امر تولیدات داخلی و جلو گیری از به راه اندازی صنایع به عمل می آید. از راه بازرگانی خارجی کارشکنی وسیع در تدارک و توزیع به موقع کالا و احتکار کالا در داخل کشور صورت می گیرد. از راه بازرگانی خارجی تورم بازار امپریالیستی و گرانی سرسام آور و احتکار و لالبازی به بازار داخلی و مصرف کنندگان ایرانی تحمیل می شود. وزارت بازرگانی به جای آنکه با قاطعیت به مبارزه علیه این وضع برخیزد و قانون ملی شدن بازرگانی خارجی را با قاطعیت به اجرا بگذارد و مثلا در نوبه اول انبارهای عظیم کالاهای احتکار شده را به روی مردم بگشاید، یکسال ونیم پس از انقلاب، تنها مردم را به ایجاد سه مرکز خرید و توزیع کالا سرگرم نگاه می دارد، مراکزی که در نتیجه نهائی زیر تسلط بازرگانان و محتکران خواهد بود.

یکی از دلالتی که نشان می دهد وزارت - بازرگانی به انجام خواست مردم در اجرای ملی کردن بازرگانی خارجی اقدام به محدود ساختن و قطع تسلط سرمایه داران وابسته به امپریالیسم بر بازار ایران تمایل ندارد، حفظ اتاق بازرگانی به صورت سابق و حتی دادن اکثریت کرسیهای اتاق به نمایندگان بخش خصوصی است.

اتاق بازرگانی در دوران طاغوت از هر مهابی عمده سلطه بازرگانی و مالی و سیاسی امپریالیسم بر ایران بود. وزارت بازرگانی نه تنها به انحلال این اتاق نپرداخته، بلکه کاتین نامه ای را به تصویب رسانیده، که ۲۳ کرسی از ۴۵ کرسی، یعنی اکثریت را به بازرگانان عمده بخش خصوصی می دهد. با چنین تناسبی، که بازرگانان کمبازار در اتاق بازرگانی اکثریت خواهند داشت، وزیر بازرگانی مدعی اجرای قانون ملی شدن بازرگانی خارجی است!

جالب است که خود مسئولین وزارت بازرگانی هم پنهان نمی کنند که، آنها در فعالیت خود جانب بخش خصوصی را گرفته اند، و به قول خود، قانونی که از تصویب گذرانده اند، "چیزی است بین بخش - خصوصی و دولتی!"

وزارت خانه های صنایع و معادن و کشاورزی و امور اقتصادی و دارائی هر یک به موقع خود لویچی را در ملی کردن سرمایه های وابسته صنعتی، بانکی، مالی و کشاورزی از تصویب گذرانده اند. طبق این لویچ صد ها کارخانه و بانک و شرکت های خارجی در این زمینه هاملی شده اند. معلوم نیست چرا وزارت - بازرگانی دست به چنین اقدامی زده است؟

آیا سرمایه های عظیم تجار وابسته به سرمایه های امپریالیستی و محتکرانی که انبارهای با سرمایه های میلیاردی در توانی در اختیار دارند، وجود خارجی ندارند، یا اینکه وزارت بازرگانی از پشت عینک مسئولین خود نمی خواهد آنها را ببیند؟

به هر حال، واقعیت اینست که، سرمایه های عمده کمبازاری تجاری همچنان دست نخورده باقی مانده، و از مواضع این نوع سرمایه، که مرتجع ترین و آزمندترین نوع سرمایه است، ضربات جدی به مواضع انقلاب وارد می آید.

می توان در مورد خودداری وزارت بازرگانی و مسئولیت آن در قبال عدم اجرای اصل قانون ملی کردن بازرگانی خارجی، که مشکلات بسیاری برای انقلاب بوجود آورده، مطالب بیشتری گفت و نوشت. لیکن تصویری شود که خود مقامات وزارت بازرگانی، آنجا که به سؤال خبرنگاران در این باره که: چرا کلیه واردات را در دست نگرفته و اصل ملی کردن بازرگانی خارجی را به مرحله اجرا نیاورده اند اینطور پاسخ می دهند که، متخصص در اختیار نداشته اند، و "تکرمی کردیم اگر همه واردات را در دست بگیریم موفق نشویم، با بحران مواجه خواهیم شد" (!) علت اساسی عدم موفقیت در این کار مهم را بیان داشته اند.

آری، علت اساسی اینست که، مسئولین وزارت بازرگانی با تزلزل و عدم اعتماد به اجرای قانون ملی شدن بازرگانی خارجی می نگرند، و البته از چنین مسئولیتی، توقع آنکه مجری خواسته های انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی مردم ایران باشند، توقعی اضافی است. وزارت بازرگانی و اصول دولت انقلاب به مجریانی نیازمندیست که به اهداف انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی و به اجرای اصول قانون اساسی اعتقاد راسخ و بدون خدشه داشته باشند.

آن را در ردیف روزنامه های "چپ گرایان خلیجی" قرار داده اند، اخلاق اسلامی و انقلابی حکم می کرد که ایشان لا اقل اعتراف کنند که اولین روزنامه ای که ضرورت اجرای فوری اصل ملی شدن بازرگانی خارجی را خاطر نشان ساخت و آنرا هم - چنان با پیگیری دنبال می کند، "نامه مردم" بوده است، که دقیقاً متوجه است که اجرای این اصل، از نظر تثبیت پیروزیهای انقلاب ضد - امپریالیستی و خلقی و خنثی ساختن و خشکانیدن ریشه های ضد انقلاب در داخل و تحریکات امپریالیسم از خارج، اهمیت فوق العاده و درجه اول دارد.

بالاخره جهت آخرو عمده ای که در ارتباط با اظهارات وزیر بازرگانی و معاونین وی در مورد اعلام آمادگی برای اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی تذکر آن لازم است، این واقعیت است که، در این امر مهم و حیاتی، اقدام ضرور صورت نگرفته و آقای وزیر و معاونین ایشان، یکسال ونیم پس از پیروزی انقلاب، تنها وعده اجرای قانون را داده اند و نه خیر اجرای آن را!

قانون ملی کردن بازرگانی خارجی کاریست که، در صورت اعتقاد مسئولین وزارت بازرگانی به آن، می توانست حداقل بلافاصله پس از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی به اجرا گذاشته شود. به خاطر آورییم که در همان هفته های اول پس از تصویب قانون اساسی، رئیس جمهوری به ضرورت اجرای سریع قانون ملی کردن بازرگانی خارجی اشاره کرد.

به دست گرفتن امربازرگانی خارجی بوسیله دولت، آنهم با سوابقی که انحصار وزارت خارجی در کشور مادر دست دولت داشته، و تجربیاتی که در اختیار این وزارتخانه بوده، از نظر تدوین اساسنامه و آئین نامه، کاری نبوده که محتاج وقت طولانی باشد. به علاوه، از آنجا که منافع ارزی واردات از خارج را بطور عمده درآمد نفت تشکیل می دهد و این درآمد متعلق به دولت است، اجرای اصل ملی شدن بازرگانی خارجی در کشور ما از تسهیلات به مراتب بیشتری برخوردار بوده است. کافی بود دولت ارزی را که برای خرید کالاهای بازرگانی از خارج، به بازرگانان می دهد، خود مستقیماً به خرید این کالاها اختصاص دهد.

وزارت بازرگانی تجربه استفاده از معاملات مستقیم در بازار خارجی و معامله از طریق شرکت های دولتی را در اختیار داشته، کمی توانسته و باید از این تجربیات استفاده می کرد.

با وجود چنین امکانات و سوابقی، چنانکه مسئولین وزارت بازرگانی در گزارش خود اظهار می دارند، تا همین بریزوز جز واردات گندم، برنج، گوشت، قند، شکر و روغن نباتی، که در گذشته نیز در انحصار دولت بوده، خرید کالای دیگری را بدست نگرفته اند. تنها از امروز به بعد است که وزارت بازرگانی آمادگی خود را برای بدست گرفتن خرید و ورود سه نوع کالا - فلزات، کاغذ و چوب و منسوجات و الیاف اعلام می دارد، که به گفته آقای وزیر، شامل ۳۰ درصد واردات می گردد. اما حتی واردات همین ۳۰ درصد طبق تصمیم وزارت بازرگانی عملاً به روال سابق و در دست خریداران خصوصی متمرکز خواهد بود. تنها فرقی که اجرای تصمیم با گذشته پیدا می کند، اینست که، خریداران قبل از مراجعه به بانک برای باز کردن اعتبار خرید کالا، باید از مراکز سه گانه فاکتورهای را که، مهر این مراکز را دارند، دریافت دارند، و در این مراکز ثبت نام کنند. از نظر وزارت بازرگانی، ایجاد این سه مرکز و اختصاص عمارت ۳۲ طبقه به مرکز تجارت، یعنی ملی کردن بازرگانی خارجی!

متأسفانه اظهارات وزیر بازرگانی و معاونین ایشان در باره تهیه مقدمات اجرای قانون بازرگانی خارجی بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد، تا جنبه انجام یک امر بسیار مهم و فوق العاده از نظر انقلاب.

مسئولین وزارت بازرگانی تذکر دهیم که، نه تنها توده ایران، بلکه همه نیروهای انقلابی، از دانشجویان مسلمان بیرو خط امام و مراجع مذهبی عالیه فقه، تا سازمانهای وسیع توده ای، مانند انجمن ها و شوراهای اسلامی و مطبوعات منعکس کننده نظریات و خواسته های آنان، اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی را خواستار بوده و هستند. ولی مقامات وزارت بازرگانی در مصاحبه خود، به خواست این سازمانها دایر به جانبداری از اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی به هیچ وجه اشاره نکرده اند. نکند، بزعم آنها، مثلا "حزب جمهوری اسلامی و دانشجویان مسلمان بیرو خط امام نیز، که از اصل ملی کردن بازرگانی خارجی جانبداری کرده و می کنند، جز "چپ گرایان خلیجی" هستند! ظاهراً" نام بردن از آنها به صلاح و صرفاً قایان نیست که، با معرفی حزب توده ایران، به عنوان تنها حزب طرفدار اجرای قانون ملی کردن بازرگانی، بشیوه خاص خود می گویند منافع سرمایه داران وابسته و مواضع آنان را در امر مهمی مانند بازرگانی خارجی دست نخورده باقی گذارند.

جهت دومی که در مصاحبه وزیر بازرگانی و معاونین او جلب نظری کند و دلیل روشنی بر عدم علاقه و لا اقل حرکت لاکبستی این وزارتخانه در اجرای قانون ملی شدن بازرگانی خارجی است، تا خیر غیر قابل توجیهی است که در انجام این کار، از جانب مسئولین وزارت بازرگانی به عمل آمده است. در مورد اخیر، قبل از همه باید متذکر شویم که، خواست ملی کردن بازرگانی خارجی، در همان ببحوجه تدارک و تکوین و پیروزی انقلاب ضد - امپریالیستی و خلقی مردم ایران مطرح گردید. این خواست تا به آنجا قاطع بود و عمومیت داشت که، در طرح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که از نیمه اول سال ۱۳۵۸ به بحث مجلس خیرگان گذاشته شد، با وضوح تمام گنجانیده شد. بالاخره لایحه قانون اساسی در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ از تصویب نهائی مجلس خیرگان گذشت و فراتر دوم عمل آن را تأیید کرد.

از آنچه گفتیم روشن می شود که، تدارک اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی باید از همان روز تشکیل دولت موقت و آغاز به کار وزارت بازرگانی، یعنی از اسفند ۱۳۵۷ باید مورد توجه قرار می گرفت. اما آقای صدر وزیر بازرگانی، در مصاحبه خودشان رسماً اعلام می دارند که، تنها در او اواخر تیرماه ۱۳۵۹، یعنی ۱۶ ماه پس از انقلاب، اساسنامه و آئین نامه های اجرای این قانون را تهیه و به تصویب رسانیده اند! به دیگر سخن، وزارت بازرگانی برای تدوین اساسنامه و آئین نامه اجرایی قانون ملی کردن بازرگانی خارجی، از اول انقلاب تا به حال ۱۸ ماه، و از تاریخ تصویب نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی تا به حال، نزدیک به دو ماه وقت صرف کرده اند، و تازه چنانکه خود می گویند، مقدمات اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی را فراهم آورده اند و نه اجرای آن را!

بسیار قابل توجه است که وزارت بازرگانی، ماهها پس از انقلاب، اصولاً موضوع تصویب اصل ملی کردن بازرگانی خارجی را مسکوت گذاشته بود. تنها پس از توجه محافل وسیع اجتماعی بر ضرورت این امر بود که، وزارت بازرگانی آمادگی خود را برای پذیرش این اصل در اردیبهشت ماه اعلام کرد، و چنانکه می بینیم، آمادگی آن وزارتخانه برای اجرای اصل ملی شدن، درست در لحظه ای که دولت باید جای خود را به کابینه جدید بدهد، اعلام می شود! اینطور به نظر می آید که، اگر ضرورت تشکیل کابینه جدید در میان نبود، هنوز هم وزارت بازرگانی آمادگی خود را برای اجرای قانون اعلام نمی کرد.

ضمناً از آنجا که وزیر بازرگانی و معاونین وی نسبت به "نامه مردم" ابراز "لطف" فرموده،

در میان اطلاعاتی که وزراء قبل از پایان عمر دولتی که ابتداء به کابینه "گام به گام" معروف بود و سپس به زیر سایه شورای انقلاب خرید می دهند، گزارش وزارت بازرگانی از چند جهت جالب است.

جهت اول اینست که، مسئولین این وزارتخانه با آنکه یوزش می طلبند از اینکه در زمینه یکی از عمده ترین مسائل مملکتی، یعنی اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، کارشان "یک مقداری (!)" طول کشیده و تنها به انجام "کارهای اصولی و زیر بنائی برای ملی کردن تجارت خارجی" موفق شده اند (بعداً خواهیم دید تا چه اندازه) مدال کدر همان

ابتدای گزارش خود سازمان های به قول خود "چپی" را مورد حمله قرار داده اند. منلادر همان ابتدای مصاحبه، وزیر بازرگانی و معاونین وی عنوان شده است که، یکی از عللی که آنجا نخواستند وظیفه قانونی خود را در اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی انجام دهند - و بی مشکل "حمله چپ گرایان خلیجی" بوده است: ضمناً جالب است که "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، به عنوان همین "حمله چپ - گرایان خلیجی" مورد استناد مقامات وزارت بازرگانی قرار گرفته است!

"نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، موضع کاملاً مشخص و شناخته شده ای دارد. این روزنامه از مدافعین قاطع، راستین و رزمندگان انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی مردم ایران به رهبری امام خمینی است. تا به حال هیچ ارگان رسمی و غیر رسمی جمهوری اسلامی از "نامه مردم" به عنوان "چپ گرایان خلیجی" نام برده اند. دلیل آن نیز آشکار است. آنان که به انقلاب صادق اند و تحقق هدفهای ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب را در نظر دارند، به درستی متوجهند که، گرچه حزب توده ایران و ارگان آن از نظر ایدئولوژی مورد پسندشان نیست، ولی واقعیت اینست که "نامه مردم" را به "چپ گرایان خلیجی" یعنی در واقع چپ - نمایان، که مفهوم سیاسی خاصی دارد و در شرایط کنونی انقلاب عملاً بخشی از ضد انقلاب را شامل می شود، نمی توان منسوب دانست. انصاف باید داد که آنها "نامه مردم" را به همان نام و موضع خود شناخته و می شناسند، و ما امیدواریم که این شناسائی کامی باشد در جهت تحقق ایجاد جبهه متحد همه نیروهای سیاسی مؤمن به انقلاب در مبارزه علیه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب دست برورده اش.

تا اینجا معلوم است که "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، را نمی توان با هیچ برجسی به "چپ گرایان خلیجی" مفهوم دانست اگر مقامات وزارت بازرگانی به ایراد چنین اتهامی به "نامه مردم" مبادرت ورزند، قطعاً باید ریگی در کفش خود آنان باشد و قاعدتاً آنان هستند که نه در موضع انقلاب، بلکه در موضع همان "راست گرایان خلیجی راست" قرار دارند، که از فرط وحشت از اجرای قانون ملی شدن بازرگانی خارجی، چاره ای نمی بینند جز اینکه زیر پرچم حمله به نیروهای - اصیل چپ، از اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، که اصلی بسیار مهم و سرنوشت ساز برای انقلاب و جمهوری اسلامی است، جلوگیری به عمل آورند.

مقامات وزارت بازرگانی اعتراض "بازاریا" و یا دقیقتر گفته شود، بورژوازی بزرگ تجاری (کمبازاری) را، که از اوایل قرن برنجارت خارجی و داخلی، جنگ انداخته اند، به موضع حزب توده ایران - در دفاع از اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد شبکه توزیع دولتی - وسیله تبرئه اقدام خود در خودداری از اجرای سریع اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ذکر کرده اند. ولی این استناد بجای آنکه آنان را تبرئه کند، به وضوح درستی مشی حزب توده ایران را نشان می دهد که، در یک مسئله اصولی و اساسی، نه در موضع "چپ - گرایان خلیجی" بلکه در موضع دفاع از قانون اساسی جمهوری اسلامی و اجرای خواست توده مردم در پایان دادن به این همه هرج و مرج ضد انقلابی در امر مهم بازرگانی خارجی و داخلی قرار دارد. توجه داشته باشیم که، خودداری وزارت بازرگانی از اجرای سریع اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، دلیل عمده پیدایش احتکار، گرانی و تورم سرسام آوری است که معیشت عمومی را مختل ساخته و عدم رضایت جدی بوجود آورده است.

در پایان همین قسمت، به خاطر اینکه از ذکر مواضع درست نیروهای دیگر در مسئله بازرگانی خارجی خودداری نکرده باشیم، لازمست که به

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محتکرانست



# روستای قنات ملک در انتظار هیئت نفری



روستای قنات ملک - در این روستا هنوز استعمار پراساس مناصف حاکم است

## گذری به روستا

روستای قنات ملک، در منطقه بوانات، در ۲۰ کیلومتری شیراز قرار دارد. جمعیت این روستا حدود ۶۰ خانوار است. منازل روستاییان خشتی است و در برابر حواصت جوی مقاوم نیست. در این روستا هنوز پاره‌های فئودالیسم استوار و زمینها در اختیار مالکان بزرگ است. فعالیت کشاورزی در این روستا دوتنوع است:

- ۱- کندم کاری و کشت جو و عدس و ...
- ۲- باغداری (سیب و انگور).

کل زمینهای این روستا در اختیار سه برادر است. از هشت خانوار ساکن این روستا، فقط حدود ۱۵ خانوار به صورت سهم‌بری بر روی زمینهای مالکی کار می‌کنند (۳۵ خانوار). خوش‌نشین هستند و بقیه آهالی در شهرها به کارگری مشغولند. تا قبل از پیروزی انقلاب، سلطه مالکان بزرگ بطور کامل بر روستا حاکم بود و رعیت‌ها با پیدایش روزبروی زمینهای مالکان بزرگ کار می‌کردند و محصول را به مالک می‌دادند. مالکان بزرگ با استفاده از زور و تهدید و تحمیل دهقانان را همواره زیر فشار قرار می‌دادند و اجاره‌های بی‌گونه اعتراض و شکایتی را به آنها می‌دادند. بعد از پیروزی انقلاب، دهقانان به تدریج با فعالیت‌ها و مبارزات پیگیر خود توانستند تقسیم محصول را به نصف به نصف برسانند، ولی هنوز زمین‌ها را نتوانستند تقسیم کنند. دهقانان می‌گفتند:

"ما منتظر اقدامات هیئت نفری هستیم. ما پیرو قانون هستیم و هر چه قانون بگوید به آن گردن می‌تهیم." بعد از مسئله زمین، مهمترین مسئله

## پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

بدنیال درج اخبار دهقانی مربوط به کمیو دهها و نقایص روستاهای استان زنجان در زمینه آب و مدرسه، اخیرا نامه شماره ۱۱۲ مورخ ۱۵/۵/۱۳۵۹، توسط آقای هادی عطاری، رئیس اداره ارشاد ملی استان زنجان، به همراه سه برگ فتوکپی نامهای از سازمان آب و برق منطقه‌ای شمال و دونا به اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان، به دفتر نامه "مردم" ارسال شده است، که عینا نقل می‌گردد:

"عطف به شماره ۹۵-۵۹/۴/۵ استحضار می‌رساند که، در تشکیلات وزارت آموزش و پرورش، در مناطقی که از نظر تقسیمات کشوری به عنوان مرکز بخش شناخته میشوند، میتوان تشکیلات اداری مستقل ایجاد نمود، کما اینکه در سلطانیه، که بعنوان مرکز بخش حومه شهرستان ابهر می‌باشد، تشکیلات مستقل آموزش و پرورش وجود دارد، ولی چون خرمدره از نظر تقسیمات کشوری مرکز بخش نبوده و یکی از روستاهای تابعه شهرستان ابهر می‌باشد، علیهذا تا زمانی که از طرف وزارت کشور در این مورد اقدامی به عمل نیاید، ایجاد تشکیلات مستقل اداره آموزش و پرورش در محل امکان ندارد."

"بازگشت به شماره ۹۵۲-۵۹/۴/۵، در خصوص خواست مردم روستای یوسف‌آباد که ارتباط با این اداره کل دارد، قیلا اقدام و احداث یک باب مدرسه ۵ کلاسه در ردیف ۲۲ طرح مدارس ابتدائی اعتبارات خاص ناحیه‌ای سال ۵۹ پیش بینی و کمیته مشترک برنامه‌ریزی استان پیشنهاد گردیده، که پس از تصویب و مبادله موافقتنامه، که در دست اقدام است، اجرا خواهد شد."

"عطف به نامه شماره ۹۵۴ مورخ ۵۹/۴/۵ و پیوست آن در مورد تامین آب مزروعی مندرج در بند ۱ روزنامه مردم، به اطلاع می‌رساند امور آب زنجان در سال جاری با تحویل و تامین کلیه نیازمندیهای مالی و اداری آن از طرف سازمان آب و برق شمال در حال احیاء و بازسازی خود بوده و ضمن تکمیل پرسنل، کلیه تقاضاهای صدور پروانه حفر و بهره‌برداری چاه در منطقه دیزج را رسیدگی و اقدام می‌نماید، و در صورت وصول تقاضاهای تامین آب مزروعی بی‌گیری خواهد نمود."

نامه مردم - ضمن تشکر از پاسخ مسئولین، امید است که با حل مسائل دیگر روستائیان این ناحیه، شرایط مساعد کار و زندگی برای آنان فراهم آید، تا مجددا در امر حیاتی تولید کوسا باشند.

## مشکل آب در روستاهای یزد حل کنید

در تاریخ ۱۸/۴/۵۹، عده کنیری از دهقانان شوروک، یکی از دهات یزد، برای پنجمین بار طی سه ماه گذشته، در محل استانداری جمع و خواستار رسیدگی به وضع و مشکلاتشان شدند. دهقانان شوروک چندی قبل، ساعت تحسن در محل استانداری، قولی مبنی بر رسیدگی به مشکلات خودشان گرفتند و آنجا ترک کردند. ولی از آنجا که به خواستهایشان توجهی نشده بود، مکررا دست به تجمع زده و باناراحتی و عصیانیت خواستار حل مشکلات خود بودند.

مشکل و مسئله اهالی از این قرار است که: روستائیان رکن آباد، ده پائین، به علت کمبود آب، جاهی در جوار قنات شوروک زده‌اند، و اهالی شوروک معتقدند با زدن چاه، آب قناتشان به نصف کاهش یافته، لذا آنها خواستار رسیدگی به این موضوع هستند. اهالی شوروک اظهار می‌دارند که، چاه مذکور بدون مجوز قانونی بوده و سپاه پاسداران و همه مقامات دادگاه انقلاب هم این را تأیید کرده‌اند، ولی کسی از این اقدام جلوگیری نمی‌کند. اگر وضع بدین منوال پیش برود، امکان خونریزی بین اهالی شوروک و رکن آباد زیاد است. آنها می‌گویند: "ما برای چندمین بار به مقامات مسئول مراجعه کرده و خواستار رسیدگی شده‌ایم، و این بار اگر به نتیجه نرسیم، خودمان راه‌ها اقدام خواهیم کرد نسبت به بستن چاه عمل لازم خواهیم کرد." استاندار یزد نیز در جمع اهالی حاضر شد و نسبت به حل مشکل آنها قولی داد، ولی دهقانان

فعلی دهقانان، وسائل رفاهی و ماشین آلات کشاورزی است. بطور مثال در این روستا تراکتور وجود ندارد و راه‌های دیگر گرا به می‌کنند (هرهکتار ۱۲۰ تومانی) و همچنین کمباین املاک در منطقه وجود ندارد. قنات ملک از داشتن تقریبا هرگونه امکانات رفاهی محروم است. فقر و محرومیت چهره گریه خود را در هر گوشه روستا نشان می‌دهد. زمستان این منطقه آب و هوای سردی دارد و بارانهای شدید می‌بارد. از این رو روستائیان بر روی دیوارهای کلبه‌های خود علف تعبیه می‌کنند، تا با ران گلپا را نشوید و این

## دهقانان یزد، نو زمین و اقتصاد شکوفا می‌خواهند

همزمان با اصلاحات نیم بند رژیم بوسیده "بهلوی" در سال ۱۳۴۲، تعدادی از کشاورزان یزد بوسیله عمال رژیم بهلولی به منطقه دست‌آزادگان (دست مینان سابق) کوچانیده شدند و محلی به نام "یزد نو" بوجود آوردند. آنها یک شرکت به اصطلاح تعاونی روستائی تشکیل دادند و زمینهای حاصلخیز منطقه را از کشاورزان بومی گرفتند و به شرکت مزبور واگذار کردند. این اعمال ضددهقانی با مخالفتها و اعتراضات دهقانان و رزمندگان بومی مواجه شد. ولی متأسفانه اعتراض و مخالفت کشاورزان بجائی نرسید و ساواک جنبش اعتراض در این ناحیه را بشدت سرکوب کرد. اداره شرکت به اصطلاح تعاونی روستائی به یکی از سربرندگان رژیم گذشته، به نام مهندس بقائی سرده شد. بدین ترتیب اکثر دهقانان یزد بعنوان کارگران کشاورزی در تولید، به کارگمارده شدند. مالکیت زمین در اختیار مدیران یزد بود و تعدادی از دستیارانش بود (لازم به تذکر است که مقدار وسیعی از این زمینها با اعمال زور ساواک، به یک فتوئال سرده‌شد و زمینهای مرغوب بقیه اکثرا در دست شیوخ و مالکان بومی قرار داشت).

## پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

اداره کل راه و ترابری استان مازندران، در پاسخ به مطلب مندرج در نامه "مردم" شماره ۲۰۸، مورخ ۲۳/۲/۵۹، تحت عنوان: "بسیاری از روستاهای استان مازندران فاقد جاده ارتباطی هستند"، نامه‌ای به اداره کل ارشاد ملی استان مازندران ارسال داشته است، که ما عینا آنرا نقل می‌کنیم:

"در مورد شکوائیه روستای پنج کلا، قبلا جواب تهیه شده، ولی از روستاهای جالی و کلیچ خیل از توابع قائم‌شهر با زدید بعمل آمده و جاده ارتباطی موجود می‌باشد، ولی در مورد روستاهای نسل و کلاصا و اعلم مشخص نشده که از توابع چه شهرستانی است و در نقشه‌های جغرافیایی هم شناسایی نشده، لذا خواهشمند است روستاهای ناشناخته (نسل و کلاصا و اعلم) اطلاع دهید، تا اقدامات بعدی بعمل آید."

نامه "مردم" توجه مسئولین به مشکلات روستائیان باعث خرسندی است. بسیاری اطلاع اداره مزبور با پیدگفت که، روستای "نسل" بدینجاده "ندوار" و "گا وزن محله" در قریب کوه قرار دارد. نشانی دور روستای دیگر (کلاصا و اعلم) تحقیق خواهد شد و در آینده به اطلاع مسئولین خواهد رسید.

امردتا بستان خطر آتش سوزی در بردارد از بهیادت و دکتر در این روستا خبری نیست، آب لوله‌کشی ندارد، شرکت تعاونی ندارد. برق ندارد. چها دسا زندگی بخش سوریان در اینجا اخیرا یک باب حمام ساخته است. این روستا یک باب دبستان دارد، که تا کلاس پنجم ابتدائی در آن تدریس می‌شود. با اجرای قانون واگذاری زمین به نفع دهقانان تهیدست، دهقانان را از انتظار اجرای عدالت در آورید، اجرای قانون، با توجه به آئین نامه‌های جاری آن، نیا زمبرم دهقانان قنات ملک است.

بدین ترتیب کشاورزان و زحمتکشان عرب (بومی) و یزدی و تقریبا یکسان استعمار می‌شدند. بعد از انقلاب، مالکین غیربومی، که عمال رژیم بودند، از منطقه خارج شدند و مهندس بقائی، بعنوان یکی از مبره‌های رژیم، توسط دادگاه انقلاب تیرباران شد. کشاورزان بومی تیز زمینهای خود را از فتوئال ده پس گرفتند. پس از این، شیوخ و مالکان بومی تحریکات خود را شروع کردند، تا کشاورزان یزدی را از زمینی که ۱۶ سال روی آن کار می‌کردند، بیرون کنند، ولی در اینجا با مقاومت سایر دهقانان عرب و یزدی مواجه شدند. کشاورزان چندین شکایت به شورای انقلاب، ریاست جمهوری، وزارت کشاورزی تسلیم کرده‌اند ولی متأسفانه تاکنون بوضع این زحمتکشان رسیدگی نشده است و هم اکنون دهقانان در بلا تکلیفی به سر می‌برند. بدین ترتیب مقدار زیادی از این زمینها، که بسیار حاصلخیز هم هست، زیرکت نرفت. با سخگوی خواست این دهقانان، اجرای قانون اصلاحات ارضی به نفع دهقانان تهیدست و زحمتکش است. باید با اجرای سریع قانون، بانوجه به آئین نامه‌های جاری آن، مسئله مالکیت در این روستا راه نفع تهیدستان حل و به شکوفائی اقتصادی و طرد روابط ظالمانه بزرگ مالکی کمک کرد.

## چرا پاسداران ارسنجان محصول دهقانان را ضبط کرده‌اند؟

پاسداران ارسنجان محصول دهقانان روستای حسن آبا در، که با خون دل کاشت و برداشت شده بود، ضبط کردند. دهقانان خوش‌نشین روستای حسین آباد ارسنجان، از توابع استان فارس، بعد از انقلاب مقدار ۱۳ هکتار از زمینهای مالک بزرگ را به زیرکشت بردند و برای رشد تولیدات کشاورزی تمام نیرو و انرژی خود را در زمینها سرمایه‌گذاری کردند. اخیرا چندتن از پاسداران ارسنجان محصولات ۳ نفر از دهقانان را، که جمعا ۷/۵ هکتار از زمینهای مالک بزرگ را به زیرکشت برده بودند، ضبط کرده‌اند، دهقانان برای احقاق حقوق خود به دادگاه انقلاب شیراز شکایت کرده‌اند. سپاه پاسداران انقلاب نهادی است انقلابی، که با پیدت تمام قدرت خود را در خدمت زحمتکشان روستایی کشور قرار دهد. عملکرد این گروه پاسداران متأسفانه برخلاف راستای انقلاب و عملا در جهت تثبیت مواضع ضد انقلاب است. زیرا در شرایط حساس کنونی، امر بر پایه‌های لیسم آمریکا، به کمک ایادی داخلی خود، دست به انواع توطئه‌ها و نافرمانی‌ها می‌زنند. این عمل پاسداران کمک به ایجاد نارضایتی در بین دهقانان تهیدست است. پاسداران ارسنجان با پیدت ایت از تسویه دهقانان مستضعف را بر نامه کار خود قرار دهند و در تثبیت حقوق آنان بکوشند.

## دولت باید محصولات کشاورزی ما را خریداری کند.

چندتن از نمایندگان کشاورزان بخش زرگان (فارس) با مراجعه به مقامات اجرایی استان خواستار شدند که دولت محصولات کلم رومی آنان را به قیمت عادلانه خریداری کند. توضیح اینکه، قبلا محصول کلم رومی در این موقع از سال برای دوی کشورها و عربی حوزه خلیج فارس مایر میشد. بعد از انقلاب، بدستور دولت، از مدورا پس محصولات جلوگیری شد، و در نتیجه دهقانان با خطر نا بودی محصولات خود روبرو شدند، زیرا در منطقه، با زارفا در به جذب تمامی محصولات نیست. بخصوص در فصل تابستان در این منطقه کلم رومی خریدار ندارد. دهقانان می‌خواهند که دولت خود را بتکا عرضه محصول را بدست گیرد. یکی از دهقانان در این باره به خبرنگار ما می‌گفت:

"دولت باید خودش محصولات را بخرود و خودش هم ما در کند. ما نمی‌خواهیم از خود کار می‌کنیم و محصولات را ما در کنیم." آنچه دهقانان می‌گویند، منطقی است. با توجه به دستورات مقامات مسئول، امسال عده‌ای از دهقانان با مشکل نامبرده روبرو شده‌اند. دولت باید برای حفاظت و جلوگیری از ورشکستگی دهقانان اقدام کند، در صورت نا بودی محصولات، قطعا خسارات فراوانی به دهقانان وارد می‌آید و این امری است که باید از آن اجتناب کرد.

نیدیرفتند و معتقدند که این مقامات مرتبا قول می‌دهند، ولی کسی اجرایی نمی‌کند، لذا آنها تا نتیجه گیری قطعی تصمیم به تجمع در محل استانداری گرفتند.

از طرفی اهالی رکن آباد معتقدند که دولت باید چاه آبی برای آنها احداث کند و نسبت به کم آبی این ده‌اقداماتی انجام دهد. باید با ایجاد شبکه‌های آبرسانی، زمینه اختلاف و تفرقه بین دهقانان را از بین برد. حل مسئله آب در روستاهای ایران بسیار عاجل و براهمیت است. باید با اقدامات حساب شده و برنامه دقیق این مشکل راحل کرد و ریشه اختلافات ناشی از آن را از بین برد. به علاوه بسیاری از روستاها به علت کم آبی تولید کافی ندارند و همچنین از نظر بهداشت محیط زیست در مضیقه هستند. باید از نیروی عظیم بیکاران شهری روستا برای حل این معضل استفاده و با به کار بردن تکنیک و فن پیشرفته، روستاهای خشک کشور را آباد کرد.

**دهقانان کم زمین و بی زمین!**

با تشکیل کمیته‌های خود و تائیکه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر بیاورد و سود شما اجرا شود.



# ظاهر شاه، پادشاه مخلوع افغانستان، رهبر اصلی تعدادی از سازمانهای «اسلامی» افغانی است!

در شماره ۴ شهریور ۵۹، روزنامه اطلاعات، صاحبه اختصاصی این روزنامه سید عبدالقادر جواد، خبرنگار رسمی "نهضت اسلامی افغانستان"، وابسته به "جبهه آزادیبخش انقلاب اسلامی" آن کشور انتشار یافته است. در این صاحبه اعترافات تازه و جالبی درباره ماهیت بسیاری از گروهها و سازمانهای ضدانقلابی افغانی، که همه خود را "اسلامی" مینامند، بیان شده و نیز وابستگیهای این گروهها به امریکا، مصر، پاکستان و چین فاش گردیده است:

در پاسخ به سؤال خبرنگار که بطور کلی چه گروهها و احزاب سیاسی مسلح در افغانستان وجود دارند، سید عبدالقادر جواد پاسخ می دهد: "نهضت اسلامی افغانستان، حرکت اسلامی، سازمان نصر، حزب اسلامی رعد، حزب اسلامی افغانستان، که اینها مسلمان و پیرو خط امام خمینی هستند. ولی احزاب دیگری هستند بنام جمعیت اسلامی افغانستان، جبهه نجات ملی افغانستان، که از طرف امریکا و مصر حمایت می شوند، اتحادیه مجاهدین افغانستان و تنظیم نسل نو هزاره افغانستان، که در پاکستان دفتر دارند و از جانب چین و امریکا و پاکستان حمایت می شوند و اکثریت آنها مائوتیست می باشند.

امریکا عمدتاً پول به مقدار زیاد در اختیار پاکستان قرار میدهد و پاکستان این پولها را در اختیار این احزاب سرسپرده قرار میدهد. این احزاب از مصر و پاکستان اسلحه، تجهیزات نظامی و وسائل دیگر دریافت می کند. رهبر اصلی این گروهها ظاهر شاه است، که در ایتالیا بسر می برد و اینها همه سرسپرده هستند و امریکا را استعماری نمی شناسند."

سید عبدالقادر در مورد دیدار سران این سازمانها از مصر اظهار داشت: "سران احزابی مانند جمعیت اسلامی، که پشتوانه ای غیر از مصر و امریکا ندارند، چنین سفری انجام دادند. چندی پیش شیخ آصف قندهاری، رهبر حرکت اسلامی افغانستان، نیز مسافرت چند روزهای به گویت کرد و مکتهای از آنجا دریافت نمود."

اظهارات سید عبدالقادر جواد، خبرنگار رسمی "نهضت اسلامی افغانستان"، بار دیگر این واقعیت را تأیید میکند که، امپریالیسم امریکا و رژیمهای دست نشانده و وابسته به آن در منطقه مانند مصر، عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان، و همچنین چین، همان توطئهها و برنامههای تجاوز مسلحانه و مداخله نظامی را، که علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تدارک می بینند و بمورد اجرا می گذارند، درباره انقلاب و جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز انجام داده و میدهند، با این تفاوت که، این توطئهها در ایران علیه اسلام خمینی و نظام جمهوری اسلامی و رهبران انقلاب امام خمینی انجام میگردد، و در افغانستان زیر عنوان پشتیبانی از "اسلام و مسلمانان" و علیه نظام خلقی افغانستان.

اما در همه این توطئهها یک هدف دنبال می شود: براندازی نظام جمهوری اسلامی در ایران و سرنگونی رژیم دموکراتیک در افغانستان، برای روی

کار آوردن رژیمهای دست نشانده و وابسته به امپریالیسم امریکا، که حافظ و پاسدار منافع و مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، در این دو کشور باشند. وابستگی گروهها و سازمانهای ضدانقلابی افغانی، که همه خود را "مسلمان" و "اسلامی" اعلام کرده اند و ارتباط سران این سازمانها با محافل امپریالیستی و عمال و ماموران سازمانهای جاسوسی امریکا، انگلستان، مصر، چین و پاکستان، مسئله ایست که هر چند یک بار در مطبوعات و رسانه های گروهی بازتاب می یابد. از جمله در مورد فعالیتهای مشکوک دفاتر و سازمانهای افغانی و اعضاء و وابستگان این دفاتر، در روزنامه های کشور اخبار و گزارشاتی انتشار می یابد که نشان می دهد، این فعالیتهای نمی توانند هیچگونه وجه مشترکی با اسلام و مبارزه در راه برقراری حکومت اسلامی داشته باشند.

چندی پیش دفاتر جمعیتهای افغانی در مشهد، بعثت شرکت اعضاء و وابستگان این دفاتر و سازمانها در معاملات قاچاق مواد مخدر، اسلحه و شرکت در سرقتهای مسلح و تماسهای مسئولان آنها با عمال امریکا، از جانب جبهه الاسلام صفائی بسته شد و فعالیتهای آنان ممنوع اعلام گردید.

در حله مسلحانه ای که چندی پیش به یک پادگان نظامی در تهران، به قصد تصرف این پادگان انجام گرفت، یک نفر افغانی شرکت داشت. در موارد بسیار دیگری از اینگونه عملیات نیز، عناصر افغانی را میتوان مشاهده کرد.

اعترافات سید عبدالقادر جواد درباره وابستگی برخی گروهها و سازمانهای "اسلامی" افغانی به امپریالیسم امریکا، چین، پاکستان، مصر و دیگر رژیمهای وابسته، و اینکه برخی از این سازمانها زیر رهبری ظاهر شاه مخلوع عمل می کنند، نیز به اندازه کافی گویاست و نیازی به تفسیر ندارد.

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که با توطئهها بی دربی و خطر مداخله و تجاوز مسلحانه از جانب امپریالیسم امریکا و رژیمهای وابسته به آن در منطقه روبروست، بدون تردید، به استحکام و ثبات روابط سیاسی با کشورهای و رژیمهای نیاز دارد که، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تأیید میکنند و آماده همکاری و داشتن روابط دوستانه و برابر حقوق با کشورها هستند. شناخت واقعیت رویدادهای افغانستان و شناخت ماهیت واقعی گروهها و سازمانهای ضدانقلابی افغانی، که به تحریک و با کمک نیروهای امپریالیستی علیه رژیم دموکراتیک و دولت قانونی آن کشور عمل می کنند، عاملی است که می تواند به اتخاذ یک سیاست واقع بینانه و مدبرانه، بدور از هرگونه پیشداوری و تعصب نسبت به کشور همسایه ما افغانستان کمک کند، و موجب برقراری روابط غامدی و دوستانه میان دو کشور گردد. اتخاذ چنین

سیاستی در نتیجه نهائی هم به نفع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وهم به نفع انقلاب و جمهوری دموکراتیک افغانستان خواهد بود.

## روزنامه های هند: پاکستان، به همدست آمریکا و چین علیه شوروی، افغانستان و جنبشهای آزادیبخش منطقه تبدیل شده است

روزنامه های هند قویاً افزایش تدارکات نظامی در پاکستان را محکوم میکنند. روزنامه "تا میز" و "ایندیپندنت" نوشته است که طرح های رژیم دیکتاتور ضیا الحق بگونه ای چشمگیر قدرت کمی نیروهای مسلح پاکستان را، که در سال گذشته هفتاد درصد افزایش یافته، بالا می برد و هند نگران این اوضاع است.

این روزنامه توجه را به این حقیقت جلب میکند که، این طرح های خطرناک رژیم دست نشانده ضیا الحق، با تبلیغات دیوانه وار فذهندی مطبوعات تحت کنترل و تحت سانسور پاکستان و گزارشهای بی اساس و بی سروته آنها درباره علل آشوب های فرقه ای و مذهبی در هند همزمان شده است. این روزنامه تا کید میکند که تدارکات نظامی رژیم دیکتاتور و سرسپرده ضیا الحق متوجه هند است.

روزنامه "پاتریوت" مینویسد که طرحهای نظامی ضیا الحق خطری علیه هند و افغانستان و دیگر کشورهای منطقه است. این روزنامه نوشته است که ادعاهای بی اساس رژیم ضیا الحق مبنی بر اینکه متحد (بخوان: ارباب) آن آمریکا از دادن سلاحهای مدرن به این رژیم خودداری میکند، بکلی بی اساس است، زیرا آمریکا از طریق رژیم دست نشانده دیگر خود، عربستان، همه نوع سلاح مدرن در اختیار پاکستان قرار میدهد.

این روزنامه می افزاید که پاکستان به همدست آمریکا و چین علیه شوروی و افغانستان و جنبش آزادیبخش منطقه تبدیل شده است.

## تظاهرات مردم پاکستان علیه رژیم دست نشانده ضیا الحق

در پاکستان تظاهرات علیه رژیم دست نشانده ضیا الحق ادامه دارد. از جمله در بلوچستان پاکستان و چند ناحیه دیگر، صدها هزار تن به خیابانها ریختند و با شعارهای "مرگ بردیکتاتور" و "مرگ سر رژیم دست نشانده ضیا الحق" نعرت خود را از زبانهای حکومت سرسپرده پاکستان اعلام کردند.

## ادوارد گیرک: تنها لهستان سوسیالیستی میتواند همچنان استقلال و ایمنی و حیثیت بین المللی کشور را تضمین کند

ادوارد گیرک، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کاکری لهستان، گفت که باید هر چه زودتر به حل مسائل کنونی آن کشور اقدام کرد.

وی گفت که مقامات لهستان مسائل را که به تعطیل برخی از واحدهای صنعتی آن کشور انجام میدهد است، مورد بررسی انتقادی قرار داده اند.

گیرک، ضمن اشاره به ضرورت تسریع آهنگ عادی سازی زندگی همگانی و اجتماعی، گفت: "شرط عمده دستیابی به این هدف، برطرف ساختن علل رفاه عمومی و احیای محیط اعتماد متقابل است. وی اطلاع داد که برای ارضای نیازمندیهای فوری اجتماعی، ترکیب تولید تغییر خواهد کرد.

حزب متحد کاکری لهستان و "حزب متحد دهقانان" آن کشور، به اقدامات مشترکی برای افزایش تولید کشاورزی خواهند پرداخت.

ادوارد گیرک بار دیگر یادآور شد که تنها لهستان سوسیالیستی میتواند همچنان استقلال و ایمنی و حیثیت بین المللی کشور را تضمین کند.

## آمریکا و چین صلح و ثبات آسیا را تهدید میکنند

در اعلامیه ای که از سوی وزارت خارجه ویتنام درهائی انتشار یافت، آمده است:

## تظاهرات مسلمانان هند علیه رژیم ضیا الحق

مسلمانان هند تظاهرات بزرگی در مقابل سفارت پاکستان در دهلی نو برپا و علیه مداخله پاکستان در امور داخلی هند اعتراض کردند. سخنرانان اعلام کردند که رژیم ضیا الحق به اختلافات فرقه ای و مذهبی دامین میزند و خطا رکردند که از این مداخلات دست بردارند.

در این میان، بانوان ایندیپندنتی، نخست وزیر هند گفت که عوامل خارجی محرک درگیریهای اخیر فرقه ای در کشور بوده اند. گاندی از افشاگردها اطلاعاتی در این مورد بدست آمده است.

## تجاوز صهیونیستهای تل آویو به جنوب لبنان همچنان ادامه دارد

گزارشهای مطبوعات لبنان نشان میدهد که در چند روز گذشته صهیونیستها هشتصد سرباز و دهها تانک و توپ دیگر در جنوب لبنان مستقر کرده اند. توپخانه نیروهای صهیونیستی با رها کردن گلوله های آوارگان فلسطینی و مواضع نیروهای میهن پرست لبنان را زیر آتش گرفته است. نیروهای صهیونیستی میخواهند فلسطینیها و سوریه را از مبارزه علیه طرحهای خائنانه کمپ دیوید باز دارند و فلسطینیها را در لبنان مرعوب سازند.

## مباحثات ارتجاعی خواب تغییر نظام اجتماعی را در لهستان می بینند!

به نوشته یکی از مفسران خبرگزاری "تاس"، مشکل بتوان جا رو جنگال تبلیغاتی را، که در غرب بپیرامون اوضاع لهستان راه افتاده است، چیزی جز تلاش جهت مداخله در امور داخلی یک کشور سوسیالیستی تلقی کرد. محافل امپریالیستی میکوشند تا حوادث را در راستای مورد پسند خود بکشانند.

از سوی دیگر، روزنامه "وست فلیشه - روندنا تو" (آلمان غربی) به "تفسیر سیستم اجتماعی لهستان و دیگر کشورهای اروپای شرقی" دعوت کرده است. "تاس" در این باره می نویسد: "چنین دعوتی به هدف های تشنج زدایی و تقویت اعتماد متقابل میان خلقها خدمت نخواهد کرد."

## نیروهای مبارز السالوادور ضربات درهم شکننده ای به ارتش مزدور وارد می کنند

هزاران نفر در مقابل سفارت آمریکا در مکزیکو، علیه طرح های امپریالیسم آمریکا برای مداخله مسلحانه در السالوادور دست به تظاهرات زدند. نیروهای چسب السالوادور اعلام کرده اند که کشتیهای جنگی آمریکا، از جمله ناو هوا پیمایر با دو هزار تنفنگدار دریایی، در نزدیکی سواحل السالوادور دست به مانور زده اند و خود را برای مداخله در این کشور آماده میکنند. تدارکات جنگی آمریکا در حال صورت میگردد که، نیروهای مبارز السالوادور ضربات درهم شکننده ای به ارتش مزدور وارد میکنند. نیروهای مسلح چسب همگامی نزدیک توده ها، عرصه را بر رژیم سرسپرده السالوادور تنگ تر میکنند. امپریالیسم آمریکا سیل سلاح و کارشناسان نظامی را به السالوادور سرازیر کرده است.

## وزیر دارائی افغانستان: غرب سد راه پیشرفت کشورهای در حال توسعه است

عبدالوکیل، وزیر دارائی افغانستان، در نطق خود در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل گفت که نظام اقتصادی غیر عادلانه فعلی تنها منافع گروه کوچکی از دول امپریالیستی را تأمین میکند. وی گفت که غرب عالماً عامداً سد راه پیشرفت کشورهای در حال توسعه شده است.

وزیر دارائی افغانستان گفت که غرب میخواهد زکوره های در حال توسعه کماکان بعنوان تأمین کننده مواد خام استفاده کند و قطع ارسال مواد غذایی به افغانستان نمونه ای از فشارهای بیشرمانه کشورهای امپریالیستی علیه یک دولت دارای حق حاکمیت است.

## در جهان سوسیالیسم

### افزایش درآمد سرانه در مجارستان

حزب سوسیالیست کاکری مجارستان اینک ۱۱۸۳۳ عضو دارد. از ۱۳ ۱۳ ۱۴ - کمونیستی که در دوران بین دوکنگره اخیر به عضویت حزب درآمدند، ۶۲ / ۸ درصد کارگر و یاددهقان هستند. در سالهای ۷۹ - ۱۹۷۶، درآمد ملی مجارستان سالانه بطور میانگین ۴ / ۱ درصد افزایش یافت. این افزایش تولید را، مجارستان به کلی موهون بالا رفتن با آوری کار کرده است. در چهار سال گذشته تولید صنعتی، سالانه بطور میانگین ۴ / ۷ درصد افزایش یافت. رشد تولید شاخص الکترونیک از دیگر صنایع سریع تر بود. در همین دوران، میانگین افزایش تولید کشت و زوری مجارستان ۳ / ۲ بود. درآمد سرانه واقعی مردم مجارستان در چهار سال گذشته ۹ درصد و مزد حقیقی سرانه آنها ۶ درصد افزایش پیدا کرد. ۵۳ درصد واردات و ۶۰ درصد صادرات - مجارستان با کشورهای سوسیالیستی است.

## در جهان سرمایه داری

### بیکاری گسترده در جنوب اسپانیا

در روزهای گذشته اخبار رسیده از جنوب اسپانیا، حاکی از آن بود که دهقانان به سداها پرداختند، زمینها را تصاحب کردند و از برداشت محصول جلوگیری بعمل آوردند. آنها بدینوسیله، با اعتصابات و تظاهرات اعتراض آمیز خود در برخی دهات، علیه سیاست کشاورزی دولت اسپانیا باخاستند. مدتی است که مردم، سندیکاهای احزاب سیاسی اسپانیا خواستار اجرای فوری اصلاحات ارضی هستند، تا با یسان بایگاری وسیع، بویژه در میان سکنه روستایی مبارزه شود. بنظر آنها، کمکهای مالی دولت در این زمینه هیچ روی کافی نیست و نمیتواند به حل بنیادی مسئله بیکاری بیانجامد. بنیادی تقریباً یک چهارم مردم، بویژه در روستاها، بیکارند. بدین ترتیب، در حدود ۳۰ درصد ۱ / ۴ میلیون بیکار اسپانیا در این منطقه زندگی میکنند. تنها در سویلا بیش از ۱۷۵۰۰ کارگر موسمی بیکارند.



### تازه ترین شاهکار آقای دکتر یزدی در کیهان

روزنامه کیهان، ارگان لیبرال-های ایران، که به سرپرستی آقای دکتر یزدی، وظیفه ادامه تبلیغ سیاست گام به گام را برعهده گرفته است، تازه ترین شاهکار خود را در دروغ برآکنی در شماره دیریز خود به معرض نمایش گذاشت. ارکان لیبرالی ایران، به نقل از ساندی تایمز، یکی از ارگانهای امپریالیستهای انگلیسی، نوشته است:

«اتحاد شوروی برای تقویت کمونیسم، قریب به ۷ هزار فرسوی زبان به استان آذربایجان ایران فرستاده است. این افراد از ناحیه تاجیکستان میباشند و موفقیتهای قابل توجهی در تبریز کسب کرده اند. تاجیکها در آذربایجان مدارس مخفی تاسیس نموده اند و قول داده اند تا سینماها را بکشایند و حجاب اجباری را لغو سازند.»

شاید امپریالیستهای انگلیسی، که بنا بر وظیفه میکوشند در آستانه یورش جدید و خطرناک پس عمو-های خود، امپریالیستهای امریکائی، علیه انقلاب ایران، افکار را به جانب خطرات موهوم منحرف کنند، بتوانند به خواننده بیخبر انگلیسی خود، این دروغ بزرگ و بویژه منسک را بقبولانند. اما آقای دکتر یزدی که باید بدانند زبان آذربایجانیها فارسی و زبان تاجیکها آذربایجانی نیست! آقای دکتر یزدی قبل از انتشار چنین به اصطلاح خبری قاعدتاً باید این سؤال را برای خود مطرح کند که چگونه ۷۰۰۰ تاجیک توانسته اند به ایران یابند، بدون اینکه هیچکس متوجه شود! ...

آخر دروغ هم - مثل هر چیز دیگر - حدی دارد. آیا شدت غرض و کینه نسبت به کمونیستها و اتحاد شوروی - که درستان صدیق انقلاب ایران اند - تا به آنجاست که چنین دسته گلی به آب داده شود!

### توجه!

مقالات زیر نامه مردم، برای مطالعه ویژه رفا توصیه میشود: - ضد انقلاب در عمل (شماره ۲۹۷). - امپریالیسم جهانی، پسر کردگی امپریالیسم آمریکا، همچنان آماج اصلی انقلاب ایران است (شماره ۳۲۰).

### در ادامه محاکمه عاملان شاجعه سینما رکس: طرح عملیات ساواک در جنایت سینما رکس فاش شد

یازدهمین و دوازدهمین جلسه محاکمه عاملان جنایت هولناک سینما رکس آبادان، دیروز و پریروز در آبادان پشت سر گذاشته شد. در جلسه یازدهم محاکمه، ابتدا یکی از شهود بنام حسین نجارزاده احضار شد. وی طی سخنانی گفت:

«آنشب شاهد بودم که همه مأموران فحش میدادند. آنها به امام هم فحش میدادند که چرا خودش همراه با مردم در آتش نمیسوزند.»

سپس متهم ردیف هفتم، بنام سرگرد مسعود خنیر، به جایگاه احضار شد. وی از جمله گفت: «... نمیدانم این آتش نشانی پلاینگاه که در خاورمیانه بی نظیر است، چطور شد که سینما را خاموش نکرده اند! عملیات پلیس را سرهنگ امینی رهبری می کرد و تیمسار رزمی به اطلاق خودش رفته بود...»

شاهد بعدی دادگاه، علی محصلی، گفت: «نزدیک کافه لادن ایستاده بودم، دیدم یکباره برق سینما قطع شد و صدای چرخه آمد و برق خیابانها قطع شد... سرهنگ امینی آمد و بعد ۱۰ تا ۱۵ مأمور آمدند و جلوی در سینما را گرفتند و گفتند که چهار خرابکار رفتند بالا و میخواهند خرابکاری کنند. پس از آن گفتیم: بگذارید با ماشین خود بزنم در سینما را بشکنم، اما نگذاشتند، بعد چهار طرف سینما را مأموران بستند.»

متهم ردیف هشتم، بنام سرهنگ سیاوش امینی آل آقا نیز در جایگاه متهمین حاضر شد و از جمله گفت: «دوازده سال قبل به مدت ۶ ماه به همراه گروهی دیگر از افسران در اسرائیل دوره دیدم...»

دادستان دادگاه در توضیح پرونده این متهم گفت: «وی در زمان ستوان دومی در ساواک دوره دیده و در سال ۵۰ با کسب اجازه از شاه به منظور طی دوره به کشور «مروارید» اعزام شده و بعد کشف رمز کردیم و قیامیدیم منظور از «مروارید» کشور اسرائیل است. در سال ۶۶ و ۶۷ از شاه ترفیح گرفته و بخاطر جشن های ۲۵۰۰ ساله تشویق شده و به ساواک گزارش داده است که در آتش سوژی سینما رکس بمب منفجر کرده بودند...»

دادستان دادگاه سینما رکس آبادان در چهارمین روز محاکمه عاملان این جنایت به نوار و اسناد ومدارکی که از ساواک و شهربانی آبادان بدست آمده است، اشاره کرد و گفت:

«این نوار در حدود ۳ ساعت است و در آن مقالات سرهنگ امینی و سرگرد پیکرستان بوده و دقیقاً گویاست که با کمک از یک خانم و عملیاتی که ساواک ترتیب میدهد، یوسله همین خانم فعالیت می کنند. فعالیت ساواک و شهربانی در شناسائی این افراد حاکی از این بوده است، که ساواک در جریان جزئیات این فاجعه بوده است و در آبادان عملیات گسترده و خاصی را بنام (عملیات سیل) داشته اند.»

دادستان در این جمله به ماهیت ساواک و رژیم ضد خلقی شاه و کارهای ضد مردمی عاملان این جنایت وحشیانه و ضد بشری اشاره کرد و در این باره مطالب مشروعی را بیان داشت.

ننامه کمیته... بقیه از صفحه ۱ و ارتجاع، نشان داد که سازمان شما بی سبب وفادار، استوار و بی تزلزل راه طبقه کارگر است و به آن درجه از بلوغ سیاسی و شکستگی در مبارزه دست یافته است که، حق داشته باشد خود را ادامه دهنده راه سازمان جوانان توده ایران بداند.

رفقای عزیز! کمیته مرکزی حزب توده ایران با مسرت تمام دست شما توده های جوان را به گرمی میفشرد و شما را در صفوف سازمان جوانان توده ایران پذیرا میشود. ما گنجینه تجارب تلخ و شیرین خود را فراره شما نهاده ایم و امید آن داریم که با استفاده از این گنجینه پر بها، باصولیت انقلابی، استوار و بی تزلزل، در راه خلق، در راه طبقه کارگر گام بردارید. رفقای جوان! نام پرافتخار «سازمان جوانان توده ایران» بر شما مبارک باد! آرزو میکنیم که دوشادوش

### دادگاه تریبونی برای اشدای جنایات رژیم شاه سابق

آقای نقیعی، دادستان ویژه پرونده فاجعه هولناک سینما رکس، در يك مصاحبه اختصاصی با روزنامه کیهان، که در شماره روز ۹ شهریور این روزنامه چاپ شده است نکات جالب توجهی را بیان داشته است. وی درباره متهمین و فراریان این فاجعه گفته است:

«آنها که در مظان اتهام هستند از رئیس شهربانی وقت تا معاونین او گرفته و مأمورین شهربانی را تشکیل میدهد، که البته يك سری متهمان رده بالا متأسفانه مثلاً سرتیپ رزمی قبل از یروزی انقلاب فرار کرده و بقیه هم بعد از انقلاب بوسیله کسانی که اینجا صاحب سمت در کمیته بوده اند، فراری داده شده اند و الان هم متواری و غایب هستند. آنچه دادگاه به پرونده آنها رسیدگی خواهد کرد و حکم غایبی صادر خواهد شد. دولت باید به هر وسیله ای که میتواند و تا حدی که امکان دارد، سعی کند این فراریان را استرداد نماید، چون اینها کسانی هستند که در خراج از ایران ساخت بنشینند. افرادی نظیر مهندس حنری شهردار وقت و مهندس عزیزی رئیس سازمان آب فراری هستند. و اینها افرادی بودند که با گرفتن تصمیم قرار وثیقه آزاد شدند و با وجودی که ما اسامی آنها را در روزنامه اعلام کردیم، خود را معرفی نکرده اند.»

در ارتباط با شرکت مستقیم رژیم شاه سابق در این جنایات، دادستان گفته است:

«آقتدر دلایل و قراین در دست هست که این کار توسط رژیم انجام گرفته که گمان می کنم با برگزاری دادگاه خود بخود این مسئله برای همه روشن خواهد شد. این يك کار سازماندهی شده از پیش بوده است و جز رژیم هیچکس اینکار را انجام نداده است. هر چند عامل اجرایی و یک عده از عوامل اجرایی آدمهایی ساده و احمقان غیر وابسته بودند. این دادگاه میتواند يك تریبونی باشد برای افشای يك دهه زار از جنایاتی که آن رژیم کرد. ولی خوب متأسفانه ما دست بدامن هرکس شدیم، سند و مدرکی نماند. مثلاً سازمان اسناد ملی انقلاب اسلامی، با وجود نامه ای که خود آقای قدوسی نوشت و با وجود مراجعات روزانه ما و به هر جا که فکر میکردیم مطلب ببرد بخوری ممکن است باشد، مراجعه کردیم، بجز شهربانی کل، هیچکدام چیز نماندند.»

کلا مقامات مسئول از دادن اسناد و مدارک ابا دارند و خودداری می کنند. اسناد فراوانی وجود دارد که آدم وقتی که برخورد می کند از غفلتی که ارگن های اجرایی داشتند از افشای جنایاتی که در رژیم سابق صورت گرفته تعجب می کند.»

دادستان در پایان مصاحبه در جواب این سؤال که: «آیا افرادی که دستگیر شده اند واقعا مقصرند؟» گفت:

«اینهایی که دستگیر شده اند اکثرشان مقصرند و اگر کسان دیگری ما در این رابطه پیدا کردیم، که مقصر و دخیل بودند، مردم همه موظفند که اینها را دستگیر کرده و تحویل دهند. بنابراین جهت ندارد که اگر کسی مقصر بوده، ما از تحویلش خودداری کنیم. البته وظیفه من وقتی اینجا آمدم فقط این بوده است که پرونده را برای تحویل بدادگاه تنظیم کنم. ولی بهر حال تحقیقاتی را کرده ام.»

ننامه سازمان... بقیه از صفحه ۱ به ویژه سنن پرافتخار سازمان پیشرو جوانان ایران، سازمان جوانان توده ایران، وفادار باشد. ما همواره مباحثات می کردیم که قدم در راهی گذارده ایم که دهها سال پیش جوانان توده ای با اینار و از خود گذشتگی حماسه آفرین خود، آن را، هموار ساخته اند.

راهی که سازمان جوانان توده ایران آغازگر و پیونده پیکر و خستگی ناپذیر آن بوده است، سازمانی که در آغوش خوین و استوار حزب توده ایران پرورش یافت و تحت رهبری آن توانست هزاران جوان آگاه، انقلابی و فداکار مهین را در مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم جنایتکار شاه سابق سازمان دهد و قربانانی چون جهاتگیر باغدادیان، وارطان سالخالیان، کوچک شوشتری، بزرگ تیا، شریعت رضوی و صدها قربان به نام و گمنام دیگر از صفوف آن برخاسته اند، که حماسه قدرت و شهادت آنان سرمشق هر انسان مترقی و هر جوان انقلابی

### در آستانه کودتای ۲۸ مرداد، کودتاچیان جو ضد توده ای و ضد شوروی را تشدید کردند بهوش باشیم تا تجربه ۲۸ مرداد تکرار نشود

در روزهای پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عمل امپریالیسم آمریکا (سفیر آمریکا در ایران، لوی هدرسن، کارمند سیا، کرمیت روزوت و دیگران) یکمک هم-دستانان (نظیر بقائی ها) جو شدید ضد توده ای و ضد شوروی را ایجاد کرده، پیوسته دامن میزدند. آنها از این جو ضد توده ای و ضد انقلابی، از یکسو برای تحریک احساسات عناصر ناآگاه (بویژه در ارتش، ژاندارمری و شهربانی) استفاده میکردند، از سوی دیگر تمایلات سازشکارانه نسبت به امپریالیسم و شک و سوءظن نسبت به نیروهای پیشرو انقلابی را، که در سران حکومت وجود داشت، تشدید می-کردند.

لوی هدرسن، عصر روز ۲۷ مرداد ۱۳۳۲، در ملاقات خود با مصدق او را از «تاکتیک روسی» و «تسلط حزب توده» میترساند و با «حق شدید» تهدید میکند. آنچه این شد که هنوز سفیر آمریکا منزل مصدق را ترک نکرده، به شهربانی دستور داده میشود و بلائصل فرمانداری نظامی فرمان صادر می کند و هر نوع تظاهرات ضد درباری قدغن اعلام میگردد.

کودتاچیان درست منتظر همین فرمان بودند، زیرا دستوریکه قبلاً رئیس شهربانی در روزه جلوه گیری از تظاهرات توده ای داده بود، کاملاً محرمه بود و چپه علی و رسمی نداشت. با این فرمان رسمی فرمانداری نظامی حکومت مصدق، در واقع همه جنایات کودتاچیان علیه مردم و برای انجام کودتا صورت «رسمی» و «قانونی» پیدا میکرد. این فرمان فرمانداری نظامی دولت مصدق دست نیروهای پیشروی انقلابی را

بدهند، تا وسیله «تانی» و «قانونی» برای وارد آوردن ضربه قطعی به انقلاب شکوهمند ایران و نظام جمهوری اسلامی بشود... همه باید بهوش باشیم تا تجربه ۲۸ مرداد، که در کلیات و نه در جزئیات، تکرار نشود. انقلاب شکوهمندمان و نظام جمهوری اسلامی ایران را از دستبرد اعمال امپریالیسم، پسر کردگی امپریالیسم آمریکا، و در مه بل توطئه های گسترده و پیوسته آنها محفوظ داریم.

در روزهای پیش از ۲۸ مرداد، که در کلیات و نه در جزئیات، تکرار نشود. انقلاب شکوهمندمان و نظام جمهوری اسلامی ایران را از دستبرد اعمال امپریالیسم، پسر کردگی امپریالیسم آمریکا، و در مه بل توطئه های گسترده و پیوسته آنها محفوظ داریم.

### حمله به دفتر حزب توده ایران در مسجد سلیمان

حمله بدناثر حزب توده ایران همچنان ادامه دارد حدود ساعت ۱۰ شب روز سه شنبه ۹ شهریور، عده ای از افراد غیرمسئول و ضد انقلابی بار دیگر، غیرمعمول سخنان دادستان کل کشور مبنی بر اینکه حمله به گروهها در خط امام نیست، به دفتر حزب توده ایران در مسجد سلیمان یورش بردند و پس از تخریب در و پنجره های دفتر، کتب و نشریات موجود را در مقابل دفتر به آتش کشیدند. سازمان حزب توده ایسران در است.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، که در عمل صداقت انقلابی خویش را در وفاداری به آرمان طبقه کارگر ایران به ثبوت رسانده است، اجازه می خواهد که به صف سازمان جوانان توده ایسران بیوندد و بکوشد تا در سنگر سازمان جوانان توده ایران و تحت رهبری مستقیم حزب توده ایران، به رزم خویش علیه امپریالیسم و ارتجاع و بخاطر ایجاد ایرانی مستقل، آباد و آزاد و فارغ از ستم طبقاتی ادامه دهد.

رفقا! ما امیدواریم که بتوانیم

کیومرث زرشناس ۱۳۵۹/۰۹/۲۵